

بررسی عبارت «مردمی‌ترین انقلاب» در گفت‌وگو با دکتر محمدباقر خرمشاد

انقلاب اسلامی ایران هم در افق و گستره و هم در عمق مردمی است

اگر پستوانه مردمی انقلاب اسلامی از دست ناپود می‌شود



رهبر انقلاب

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله) در بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی ایران را «مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید» خوانده‌اند. برای واکاوی این مفهوم سراغ دکتر محمدباقر خرمشاد، عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی رفتیم. او که سال‌ها به صورت تخصصی انقلاب ایران و جهان را مطالعه و تدریس کرده، معتقد است انقلاب ایران از حیث مشارکت طبقات اجتماعی، قدرت بسیج‌کنندگی و فراگیری جغرافیایی واقعا مردمی‌ترین انقلاب بوده‌است. مشروح این مصاحبه که در انتها به نقش شبکه‌های اجتماعی در نهادینه کردن مشارکت مردمی و فرهنگ مردم‌سالاری دینی کشیده شد، از نظر می‌گذرد. ■■■

جناب دکتر! همانطور که مستحضرید مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی ایران را مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید خوانده‌اند. به نظر شما این مردمی بودن در قیاس با انقلابات جهان چگونه است و بر چه اساسی مطرح می‌شود؟

به عنوان یک استاد دانشگاه که سال‌هاست انقلاب اسلامی ایران و سایر انقلابات و جنبش‌های اجتماعی جهان را جهت مطالعه و تحقیق برگزیده‌ام و در دانشگاه از ابعاد و در مقاطع مختلف این موضوع را تدریس کرده‌ام باید بگویم بررسی‌های من و مطالعه آثار تحقیقی جهان نشان می‌دهد انقلاب ایران، واقعا مردمی‌ترین انقلاب جهان است. برای اثبات این مدعا چندین استدلال را خدمتتان عرض می‌کنم. نکته اول اینکه وقتی واژه «ترین» را به عنوان صفتی تقابلی به کار می‌بریم یعنی در قالب مقایسه صحبت کرده‌ایم فلفلا باید انقلاب اسلامی را با انقلاب‌های پیش و پس از خود مقایسه کنیم تا صحت این واژه عالی «ترین» مشخص شود. انقلاب‌های بزرگ قبل از انقلاب ایران که قابلیت مقایسه تطبیقی دارند، انقلاب فرانسه، روسیه، چین و تقریبأ انقلاب کوباست.

انقلاب امریکا و انگلیس چطور؟

آنها انقلاب حساب نمی‌شود و مسامحتاً به آنها انقلاب نمی‌گوییم. اینکه «کرین برنتون» در کتاب «کالد شکافی چهار انقلاب»: از انگلیس و امریکا به عنوان انقلاب نام می‌برد یا تعریف انقلاب جور در نمی‌آید، اینها در مقایسه با روسیه و فرانسه انقلاب محسوب نمی‌شوند. بعد از این هم ما اگر ثابت کردیم انقلاب ایران در مقایسه با فرانسه و شوروی مردمی‌ترین بوده به طریق اولی در مقایسه با امریکا و انگلیس «مردمی‌ترین» است.

پله می‌فرمودید.

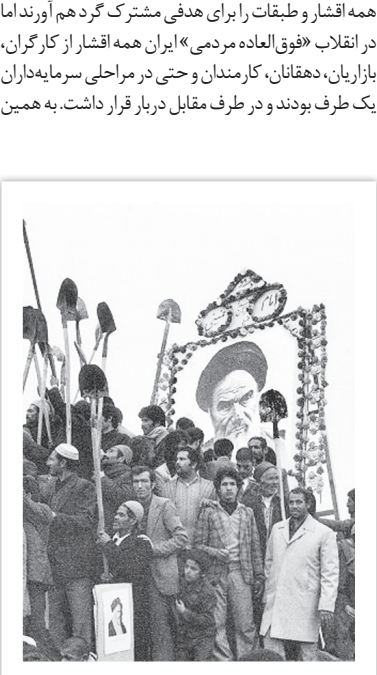
برای مقایسه انقلاب اسلامی ایران با آن انقلاب‌هایی که اشاره کردم باید میزبان، عمق و گستره مشارکت مردمی در این انقلاب‌ها را به مثابه یک شاخص یا یکدیگر بسنجیم و ببینیم چند درصد از مردمان هر کشور و در چه حجم و قالبی در انقلاب مشارکت داشته‌اند. توجه به بافت جمعیت و نوع اقتصاد در این کشورها می‌تواند به ما کمک کند. باید ببینیم نوع جمعیت در فرانسه انقلابی ۱۷۸۹ یا در انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و همچنین در چین ۱۹۲۷ و مجموعه انقلاب کوبا در ۱۹۵۶ چگونه بوده است. مثلاً در فرانسه آن زمان بافت جامعه روستایی و به نسبت امروز است. کم بهره‌زار، ارتباطات (اعم از راه، راه‌ونقل و ارتباطات) کاست بود و بسیج‌کنندگی در چنین جوامعی بسیار بسیار پایین است و همین باعث شده بود به نسبت انقلاب ۱۳۵۷ ایران، میزان مشارکت و بسیج مردمی بسیار پایین باشد.

از سوی دیگر، انقلاب اسلامی ایران به رغم انقلاب‌های دیگر از آخرین دستاوردهای تکنولوژیک آن زمان برای ارتباط بهره می‌برد. به عنوان نمونه از آخرین تکنولوژی‌های آن زمان کاست بود که اگر اشتباه نکنم فو کو هم مقاله‌ای در این باره دارد که انقلاب اسلامی ایران را بسیار بر نوارهای کاست تعبیر می‌کند. این کاست‌ها را می‌توان به تعبیری همین شبکه‌های اجتماعی امروز دانست که انقلابیون با استفاده از آن فرمایشات و سخنرانی‌ها امام خمینی (ره) را در کل کشور توزیع می‌کردند. شوراهای اصلی انقلاب بیانیه‌ها و

بیانات امام(ره) را از طریق تلفن برای شهرها و روستاهای سراسر کشور می‌خواندند و آنها روی کاست ضبط، تکثیر و توزیع می‌کردند یا مثلاً این بیانات را به صورت اعلامیه و مقاله پیاده یا دستگاہ پستی کلی که آن هم از آخرین دستاوردهای تکنولوژیک آن زمان بود، تکثیر می‌کردند. این ابزار در کنار شبکه‌های گسترده انقلابیون به ویژه شبکه‌های مذهبی، مساجد، هیئات، منابر، حسینیه‌ها و بازار موجب شده بود در سراسر کشور یک بسیج فوق‌العاده‌ای از مردم ایجاد شود.

همچنین در ایران آن زمان تقریباً جمعیت شهری و روستایی برابر شده بود و انقلاب که ابتدا از شهرهای بزرگ که حداقل نیمی از جمعیت ایران را در خودش جا می‌داد، آغاز و با پیوستن روستاییان به آن به نوعی از نظر جمعیتی مردمی‌ترین انقلاب شد. این مشارکت گسترده مردمی موجب شد نهضت بتواند از ۱۹ دی ۵۶ که در نظرات چند هزار نفره در قم شروع شده بود، هر چه به روزهای پیروزی نزدیک‌تر می‌شد، مثل بهمن که هر چه از قلّه به دامنه نزدیک می‌شود بزرگ و بزرگ‌تر می‌گردد، چند میلیون شود و رژیم شاه را با همه پستوانه‌های داخلی و خارجی‌اش با خود

ببرد. اوج این مشارکت مردمی را در راهپیمایی سراسری و همگانی عاشورا و تاسوعای ۵۷ می‌بینیم؛ واقعا آن رژیم با آن پستوانه‌های خارجی را جز مشارکت گسترده مردمی نمی‌توانست تغییر دهد. فو کو در تحلیل‌هایش درباره شرایط آن روز ایران می‌گوید، ایران انقلابی به دو گروه تقسیم شده، در یک طرف همه ملت است و در طرف دیگر شاه و دربار، او این را یکی از ویژگی‌های عجیب ایران تعبیر می‌کند. این «همه‌ملت» یعنی مردمی‌ترین انقلاب هیچ انقلابی نداشتیم که بتواند همه ملت را با این کیفیت بسیج کند. «همه ملت» در یک آنالیز جامعه‌شناسانه دیگر، یعنی انقلاب بخش قابل توجهی (اگر بگوییم همه) قشرها و طبقات اجتماعی جامعه را در برمی‌گیرد. همه انقلاب‌ها این ویژگی را نداشته‌اند که بتوانند همه اقشار و طبقات را برای هدفی مشترک گرد هم آوردن اما در انقلاب «فوق‌العاده مردمی» ایران همه اقشار از کارگران، بازاربان، دهقانان، کارمندان و حتی در مراحل سرمایه‌داران یک طرف بودند و در طرف مقابل دربار قرار داشت. به همین



در انقلاب «فوق‌العاده مردمی» ایران همه اقشار از کارگران، بازاربان، دهقانان، کارمندان و حتی در مراحل سرمایه داران یک طرف بودند و در طرف مقابل دربار قرار داشت

بیانات امام(ره) را از طریق تلفن برای شهرها و روستاهای سراسر کشور می‌خواندند و آنها روی کاست ضبط، تکثیر و توزیع می‌کردند یا مثلاً این بیانات را به صورت اعلامیه و مقاله پیاده یا دستگاہ پستی کلی که آن هم از آخرین دستاوردهای تکنولوژیک آن زمان بود، تکثیر می‌کردند. این ابزار در کنار شبکه‌های گسترده انقلابیون به ویژه شبکه‌های مذهبی، مساجد، هیئات، منابر، حسینیه‌ها و بازار موجب شده بود در سراسر کشور یک بسیج فوق‌العاده‌ای از مردم ایجاد شود.

همچنین در ایران آن زمان تقریباً جمعیت شهری و روستایی برابر شده بود و انقلاب که ابتدا از شهرهای بزرگ که حداقل نیمی از جمعیت ایران را در خودش جا می‌داد، آغاز و با پیوستن روستاییان به آن به نوعی از نظر جمعیتی مردمی‌ترین انقلاب شد. این مشارکت گسترده مردمی موجب شد نهضت بتواند از ۱۹ دی ۵۶ که در نظرات چند هزار نفره در قم شروع شده بود، هر چه به روزهای پیروزی نزدیک‌تر می‌شد، مثل بهمن که هر چه از قلّه به دامنه نزدیک می‌شود بزرگ و بزرگ‌تر می‌گردد، چند میلیون شود و رژیم شاه را با همه پستوانه‌های داخلی و خارجی‌اش با خود

ببرد. اوج این مشارکت مردمی را در راهپیمایی سراسری و همگانی عاشورا و تاسوعای ۵۷ می‌بینیم؛ واقعا آن رژیم با آن پستوانه‌های خارجی را جز مشارکت گسترده مردمی نمی‌توانست تغییر دهد. فو کو در تحلیل‌هایش درباره شرایط آن روز ایران می‌گوید، ایران انقلابی به دو گروه تقسیم شده، در یک طرف همه ملت است و در طرف دیگر شاه و دربار، او این را یکی از ویژگی‌های عجیب ایران تعبیر می‌کند. این «همه‌ملت» یعنی مردمی‌ترین انقلاب هیچ انقلابی نداشتیم که بتواند همه ملت را با این کیفیت بسیج کنند. «همه ملت» در یک آنالیز جامعه‌شناسانه دیگر، یعنی انقلاب بخش قابل توجهی (اگر بگوییم همه) قشرها و طبقات اجتماعی جامعه را در برمی‌گیرد. همه انقلاب‌ها این ویژگی را نداشته‌اند که بتوانند همه اقشار و طبقات را برای هدفی مشترک گرد هم آوردن اما در انقلاب «فوق‌العاده مردمی» ایران همه اقشار از کارگران، بازاربان، دهقانان، کارمندان و حتی در مراحل سرمایه‌داران یک طرف بودند و در طرف مقابل دربار قرار داشت. به همین

توانست تغییر دهد. فو کو در تحلیل‌هایش درباره شرایط آن روز ایران می‌گوید، ایران انقلابی به دو گروه تقسیم شده، در یک طرف همه ملت است و در طرف دیگر شاه و دربار، او این را یکی از ویژگی‌های عجیب ایران تعبیر می‌کند. این «همه‌ملت» یعنی مردمی‌ترین انقلاب هیچ انقلابی نداشتیم که بتواند همه ملت را با این کیفیت بسیج کنند. «همه ملت» در یک آنالیز جامعه‌شناسانه دیگر، یعنی انقلاب بخش قابل توجهی (اگر بگوییم همه) قشرها و طبقات اجتماعی جامعه را در برمی‌گیرد. همه انقلاب‌ها این ویژگی را نداشته‌اند که بتوانند همه اقشار و طبقات را برای هدفی مشترک گرد هم آوردن اما در انقلاب «فوق‌العاده مردمی» ایران همه اقشار از کارگران، بازاربان، دهقانان، کارمندان و حتی در مراحل سرمایه‌داران یک طرف بودند و در طرف مقابل دربار قرار داشت. به همین

این مردمی بودن در فضای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی چگونه خود را در نظام‌سازی نشان داد و در طول ۴۰ سال گذشته نمره این پستوانه مردمی برای نظام بر خاسته از انقلاب چه و چطور بوده است؟

اگر بعضی‌ها تلاش نکنند این گفته من را با واژه کلیشه‌ای «حلی مقدس بودن» از بین ببرند، واقعا در فضای بعد از پیروزی انقلاب و در این ۴۰ سال با وجود فشارهای حداکثری قدرت‌های شرق و غرب، تنها چیزی که انقلاب اسلامی را مصون از سقوط و فروپاشی نگه داشته، پستوانه مردمی بوده است. اصلاً ماهیت جمهوری اسلامی به گونه‌ای است که اگر پستوانه مردمی‌اش را از دست دهد نمی‌تواند مثل سایر کشورها و نظام‌ها با صرف چسبیدن به امریکا یا هر ابرقدرت دیگری خودش را نگه دارد. در همه این سال‌ها هم شاهد بودیم در مقابل برای آنکه بتواند این ارتش یعنی را که در مدتی کوتاه اسلامی تمام و به مو رسیده است نگاهان مردم با حضورشان فاتحه دشمنان را خوانده‌اند. در واقع استمرار مردمی بودن انقلاب اسلامی بعد از پیروزی، عامل بقای نظام شد.

دفاع مقدس یکی دیگر از ایستگاه‌هایی است که جلوه تمام نمای مردمی بودن است. در دفاع مقدس، یک کشور به ظاهر ضعیف شده از نظر نظامی در برابر یکساز ارتش آماده است. از سقوط و فروپاشی نگه داشته، پستوانه مردمی بوده است. اصلاً ماهیت جمهوری اسلامی به گونه‌ای است که اگر پستوانه مردمی‌اش را از دست دهد نمی‌تواند مثل سایر کشورها و نظام‌ها با صرف چسبیدن به امریکا یا هر ابرقدرت دیگری خودش را نگه دارد. در همه این سال‌ها هم شاهد بودیم در مقابل برای آنکه بتواند این ارتش یعنی را که در مدتی کوتاه اسلامی تمام و به مو رسیده است نگاهان مردم با حضورشان فاتحه دشمنان را خوانده‌اند. در واقع استمرار مردمی بودن انقلاب اسلامی بعد از پیروزی، عامل بقای نظام شد.

دفاع مقدس یکی دیگر از ایستگاه‌هایی است که جلوه تمام نمای مردمی بودن است. در دفاع مقدس، یک کشور به ظاهر ضعیف شده از نظر نظامی در برابر یکساز ارتش آماده است. از سقوط و فروپاشی نگه داشته، پستوانه مردمی بوده است. اصلاً ماهیت جمهوری اسلامی به گونه‌ای است که اگر پستوانه مردمی‌اش را از دست دهد نمی‌تواند مثل سایر کشورها و نظام‌ها با صرف چسبیدن به امریکا یا هر ابرقدرت دیگری خودش را نگه دارد. در همه این سال‌ها هم شاهد بودیم در مقابل برای آنکه بتواند این ارتش یعنی را که در مدتی کوتاه اسلامی تمام و به مو رسیده است نگاهان مردمی دو ماه تعلیم دیده ارتش یعنی تاندان مسلح و با پستوانه ابرقدرت‌ها

را تا مرز عقب راند. اگر مردمی‌ترین انقلاب نبودیم آیا این امکان وجود داشت؟ برای آنکه واقع‌گرایانه صحبت کنیم شما سر بزبند به قبرستان‌های ایران در کل کشور ببینید سن و شغل شهدا چیست و خانواده آنها چه کسانی بوده‌اند. ۲۰ تا ۳۰ هزار شهید در بیان ساده است. این تعداد جمعیت یک شهر بزرگ است. این جمعیت داوطلبانه زندگی، پدر، مادر، همسر و فرزندش را رها می‌کند و با آموزش دو ماهه آن‌هم با سلاح کلاشینکف می‌رود در برابر تانک‌ها، کماندوها و رنج‌های ارتش بعث می‌ایستد! در حال حاضر هم که شما صحنه را ببینید همین است. منافقین و سلطنت‌طلب‌ها تصور غلطی در تیم ترامپ و پمپئو القا کرده‌اند که اگر آتش دیک

ایران واقعا مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است.

چگونگی مردمی‌ترین انقلاب ایران را در ذهن پر رنگ می‌کند که انقلاب اسلامی مردم را فقط برای بقای می‌خواهد. آیا واقعا نقش مردم در انقلاب اسلامی محدود به حفظ بقای نظام است؟

فرض کنید اصلاً اینطور باشد که می‌گویند، یک نظام سیاسی دیگری را مثال بیاورند که اینقدر قدرت و هنر داشته باشد که مردم را فقط برای دفاع از نظام نگه دارد. مردم چه بد حکاری به نظام دارند و اصلاً چرا باید از نظامی که دل در گروی آن ندارند به‌ویژه در زمانی که بیم سقوط می‌رود، دفاع کنند؟

این حرف قلب واقعیت است. مردم چون این نظام را مال خودشان می‌دانند و خود را در آن سهمیم می‌شمارند، اینطور دفاع می‌کنند. اگر در یک نظام سیاسی حرم مردم فقط برای نظام کار کرد، این کشورها و انقلاب‌ها دیگر نمی‌توانند اینطور مردمی باشند! مگر اینکه بگویند نظام اسلامی شعیبدیاری و جادوگری می‌کند. صاحبان این مدعا ۴۰سال است که این حرف‌ها را تکرار می‌کنند و خیلی

از آنها لاذر در قلمه روشنفکران بهشت زهرا خوانیده‌اند و مردم همچنان با پای نامشان ایستاده‌اند. این حرف‌ها بیشتر ایندولوژیک است. آنها چون خودشان جمهوری اسلامی و رویه موجود را قبول ندارند و فهمیده‌اند اگر مردم از حمایت نظام دست بردارند، نظام از بین می‌رود، این حرف‌ها را می‌زنند. جمهوری اسلامی، هر پله‌ای که در دموکراسی برمی‌دارد، روشنفکر ما با اینکه می‌داند این پله مهمی در دموکراسی

است اما ۱۰ پله بالاتر را نشانه می‌گیرد و شروع می‌کند به نق زدن که این چیزی که ما داریم دموکراسی نیست. به حتماً ۱۰ پله بالاتر دموکراسی است ولی این پله هم دموکراسی است و قبل از انقلاب وجود نداشته و به برکت انقلاب ایجاد شده است.

نمود و ظهور مردمی بودن انقلاب اسلامی در جامعه امروز ایران چگونه خودش را بروز داده است؟

نشانه بزرگ مردمی بودن انقلاب این است که در اوج روشیکاران‌های صدام و بعد در طول این ۴۰ سال امام(ره) و رهبر معظم انقلاب نگذاشتند حتی یک انتخابات تعطیل شود و همه انتخابات‌ها با حضور دو قطب مخالف که فاصله‌شان به اندازه چپ از راست و راست از چپ بود، بر گزار شد و مردم میان آنها انتخاب کردند. فاصله این انتخاب‌ها از هاشمی بود تا احمدی‌نژاد! از احمدی‌نژاد بود تا روحانی و مردم حس کردند که انتخابشان در سیاست‌ها اثر گذار است.

اما بسیاری از مردم امروز تصور می‌کنند بین راست و چپ هیچ تفاوتی نیست!

بله، ته ذهن مردم این نیست که اینها زیاد با هم فرقی ندارند و نتوانستند مشکلات را حل کنند ولی این فقط در کشور ما نیست، این قبیل حرف‌ها در همه کشورهای که انتخابات دارند مطرح است. حتی فرانسوی‌ها هم می‌گویند چپ و راست با هم فرق ندارند و هیچ‌کدام نتوانستند بیکاری و… را حل کنند. در انگلیس و ایتالیا هم همین هست. بخشی از این حرف‌ها بدین دلیل است که بر خلاف تصور مردم، بسیاری از مشکلات صرفاً با جابه‌جا شدن دولت حل نمی‌شود. برخی انتظار دارند ذهن همین که دولتی تغییر کرد مثلاً اقتصاد

از تک‌محصولی در بیاید و مشکل تولید حل شود، در حالی که حل بسیاری از مشکلات و چالش‌ها نیاز به برنامه‌ریزی‌های بنیادی و سال‌ها تلاش نهادهای مختلف دارد.

در باره نشانه‌های مردمی بودن انقلاب در جامعه امروز می‌فرمودید.

بله، یک نشانه دیگر بر مردمی بودن انقلاب، فعالان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی متعدد مردمی‌ای است که امروز در شبکه‌های اجتماعی هم حضور دارند. این گروه‌ها توتیت می‌کنند، حرف می‌زنند، کار می‌کنند، مطلب می‌نویسند و آدم‌های مختلفی اینها را دنبال و حرف‌هایشان را رد یا تأیید می‌کنند. این یعنی مردمی بودن در جمهوری اسلامی نهادینه شده است. اصلاً به همین حرفی که زیاد هم از مردم رضاشاهی باید باشد تا حرف آخر را بزنند و کشور را جمع کند، فکر کنید. معنای این حرف چیست؟ رضاشاه را که نمی‌گویند چون چکمه‌اش زیبا بود باید باشد؛ چون به قول معروف با چوب رضاخانی و آن قلدرمایی و دیکتاتوری، شاطر را در تنور می‌کرد تا از آن به بعد نان خوب به مردم بدهد، می‌گویند باید باشد. تحلیل شنیده شدن این حرف از توده‌های جامعه یعنی ما الان رضاخان نداریم و واقعا چند قطبی و دموکراسی حاکم است. من فکر می‌کنم یکی از علل ماندن جمهوری اسلامی در همه این کوران‌ها به همین دلیل بوده است. تلاش غرب برای کشتن انتخابات در ایران نیز از همین جاست که فهمیده مردمی بودن نظام رمز بقای آن است. مردمی بودن هم به معنای بسیج و مشارکت تظاهراتی و هم به معنای بسیج و مشارکت تظاهراتی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. بگذراید مثالی بزنم. روزی من در یک سخنرانی برای جمعی از جوانان عراقی که به ایران آمده بودند، از تجربیاتم در وزارت علوم به عنوان معاونت فرهنگی گفتم. آنجا فضایی دُفن شهدای گمنام در دانشگاه و تجمعات و مخالفت‌هایی که یک طیف سیاسی با آن می‌کرد، صحبت شد. وقتی از بعضی تصمیمات از جمله احداث پردیس شهدا که برای ارضی کردن مخالفان می‌گرفتم، گفتم، خیلی تعجب کردند که یعنی چه گروهی با این امر مقدس مخالفت کردند و شما هم اینطور راه آمدید؟ می‌گفتند اصلاً در کشورهای عربی اینطور نیست که اگر کسی با این قبیل امور مخالفتی کند بخواهند اینقدر با او راه بیایند. می‌زنند فلاشم می‌کنند و…!

گفتم اینجا جمهوری اسلامی است و ما بحث‌هایمان را با عقل جمعی حل می‌کنیم و در حال حاضر آن تصمیمات جمعی باعث شده است تعداد زیادی از دانشگاه‌ها با همکاری همان مخالفان، پردیس شهدا می‌گفتند اصلاً در کشورهای عربی اینطور نیست که اگر کسی با این قبیل امور مخالفتی کند بخواهند اینقدر با او راه بیایند. می‌زنند فلاشم می‌کنند و…!

گفتم اینجا جمهوری اسلامی است و ما بحث‌هایمان را با عقل جمعی حل می‌کنیم و در حال حاضر آن تصمیمات جمعی باعث شده است تعداد زیادی از دانشگاه‌ها با همکاری همان مخالفان، پردیس شهدا

اجتماعی نتوانسته است به فرهنگ مردم‌سالاری کمک کند، این است که شبکه‌های مجازی به دلیل فضای آشوب، آلوده، عدم اطمینان و پر از شایعه نوعی سرگشتگی و گم‌گشتگی ایجاد کرده و کاربران‌ش را به مجموعه‌ای از کنشگران سیال بدل ساخته است که گاهی این طرف و گاهی آن طرف می‌روند. به تعبیر من فضایی ایجاد شده که یک کاربر صیح به دلیل پیامی که دریافت می‌کند، به سوی شمال می‌تازد و غروب با دریافت پیامی دیگر ۱۸۰ درجه به سمت جنوب می‌چرخد! این یک مسئله جدی نه برای کشوری مثل ما بلکه برای کشورهای پیشرفته است. من چندی پیش ملاقاتی با مجموعه‌ای از نیروهای راهبردی چین داشتم. این سؤال در آن جلسه هم مطرح شد که با شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه با قدرت گرفتن هوش مصنوعی که موجب عدم اطمینان و ناآرامی روانی و ذهنی شده است، چه باید کرد تا بتوانیم ناآرامی روانی را از مردم بگیریم و آنها را از این حالت دربیاوریم؟ او گفت چینی‌ها جوابی داد که برای من جالب بود. او گفت باید کاری کنیم که مردم به عقلشان رجوع کنند. در مقدار زیادی از این لُرزش‌ها گرفته خواهد شد. به عبارتی پس ذهن آن چنینی این بود که شبکه‌های اجتماعی به دلایل حجم گسترده اطلاعات و فضای مبهمی از مطالب درست و نادرست، انسان را از عقل فاصله می‌دهد. در این فضا طبیعتاً فرهنگ دموکراتیک نمی‌تواند تعمیق یابد.

اما در آن نسوی مسئله، موافقان معتقدند اتفاقاً شبکه‌های اجتماعی موجب شده‌اند تعداد کنشگران و کسانی که مثلاً یک حرف سیاسی را رد یا تأیید می‌کنند یا افرادی که فعال فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هستند بیشتر شوند که این سبب تعمیق فرهنگ مردم‌سالارانه خواهد شد. در مجموع می‌توانیم با توجه به سه حرف‌های هر دو طرف که حرف‌های قابل توجهی هم هستند بگوییم شبکه‌های اجتماعی در مواردی باعث تقویت فضای دموکراتیک و در جاهایی ضد دموکراسی هستند و اثری ضد دموکراتیک در اذهان بر جا می‌گذارند.

با توجه به توضیحی که دادید به نظرم اگر بتوانیم عقلانیت را بین کاربران شبکه‌های اجتماعی بسط دهیم این شبکه‌ها می‌توانند موجب نهادینه شدن فرهنگ دموکراتیک شوند.

بله، به نظر من هم عقلانیت خیلی مهم است. ما باید سعی کنیم مردم در موارد مختلف به عقلشان رجوع کنند. البته به نظر می‌رسد این اتفاق به تدریج در حال رقم خوردن است و به همین جهت آن لُرزه‌های



شدید اولیه کم و کمتر شده و جز یک عده که معتاد شده و مثل همه حوزه‌های دیگر گرفتار شده‌اند، بقیه تلاش می‌کنند در این شدتی که اوایل یک حرف با این سرعت می‌پذیرفتند تجدیدنظر کنند.

با این حساب می‌شود گفت شبکه‌های اجتماعی خودشان، خودشان را با لایش کرده‌اند؟

بله، به نوعی به تدریج دارد عقلانیت از درون بسط می‌یابد. شاید اگر این لایش درونی اتفاق بیفتد فرهنگ دموکراتیک یا کمک‌به تعمیق مردم‌سالاری هم رخ دهد.

اگر رکنی از مردمی بودن نظام را نظارت مردم بر حکمت‌دانیان به‌نظرم شبکه‌های اجتماعی حتی در شرایط موجود می‌توانند کمک بزرگی به مردم‌سالاری کنند. مثل اتفاقی که در افسسای فیش‌های نجومی افتاد.

بله، از شبکه‌های اجتماعی استفاده‌های زیادی می‌شود. کرد. همانطور که در مثال شما هم نمایان است یکی از راه‌های مبارزه با فساد در بسیاری از کشورهای دنیا مردمی کردن آن از طریق شبکه‌های اجتماعی است. به این معنا که هر کس هر فسادی را در جایی گزارش کند، جایزه خوبی به او می‌دهند. اگر چنانچه سیستم قضایی ما بتواند از این فضا برای دخیل کردن مردم در مبارزه و کشف فساده‌ا استفاده کند اتفاق بزرگی خواهد افتاد البته شرطش آن است شرایطی مهیا شود که هزینه‌ای برای افشاشدن فسادهای اجتماعی نباشد. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند کمک‌های بزرگی به شفافیت و مبارزه با فساد کنند ولی متوجه هستید که همه ویژگی‌های این شبکه‌ها مثبت نیست. شبکه‌های اجتماعی لوح سفیدی نیستند که فقط من و شما نقش دلخواهمان را روی آن بکشیم بلکه هم‌زمان هزاران هزار قلم در حال کشیدن نقش و نگار بر آن هستند و نهایت کسی دست برتر را دارد که بتواند نقش خود را غالب کند، به خصوص در این فضا که هوش مصنوعی و به کارگیری آن عرصه رقابتی و پیچیده‌ای بین کشورها و سروس‌های اطلاعاتی ایجاد کرده است که در برخی مواقع می‌تواند باعث مرگ دموکراسی‌ها نیز شود.